



حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسین حلبیان

سالی که در آن به سر می‌بریم، مصادف است با صدمین سال‌روز تأسیس حوزه علمیه قم به دست زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (قده). از این روی و در نکوداشت این مناسبت تاریخی، مقال پیش‌روی که به برخی حالات و مقامات آن بزرگ و نیز یکی از شاگردان نامدارش اختصاص دارد، به شما تقدیم می‌گردد. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مقبّد و مقبول آید.

■ ■ ■

سخن از بزرگ‌روی است که با تأسیس حوزه علمیه قم جمع‌زیادی را بر سفره علوم محمد و آل محمد علیهم‌السلام مهمان کرد و زمینه‌ساز خدمات فراوانی به اجتماع و مذهب گردید؛ حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (أعلی الله مقامه الشریف). در باب‌ایسن اقدام تاریخی آن بزرگوار، نکات ذیل قابل اشاره است:

روایتی از یک هجرت تاریخی

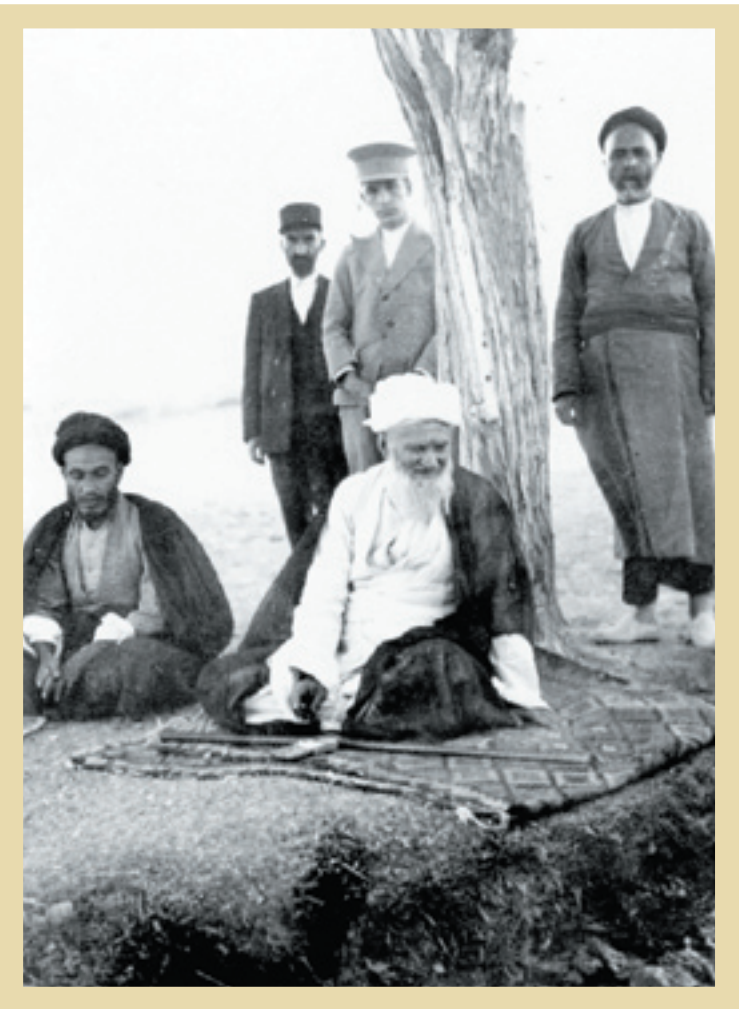
جناب علیرضا ریحان یزدی در کتاب «آینه دانشوران» در باره آیت‌الله‌العظمی حائری و تأسیس و تجدید حوزه علمیه قم می‌نویسد:

«مؤسس و رئیس این مجمع علمی آیت‌الله حائری حاج شیخ عبدالکریم یزدی است. معظم له سال ۱۲۷۶ در قریه مهرچرد که ۱۰ فرسخی شهر یزد واقع است تولد یافته و در روزگار صبا به مراقبت میر ابوجعفر نامی برای دانشجویی به قصیه اردکان آمده است و پس از چندی به بلد یزد عزیمت فرمود. آن موقع آقای میر سیدعلی مدرس بزرگ و آقا سیدیحیی و آقا میر سیدحسین میرزا به ریاست علمیه یزد شناخته می‌شدند و مدارس آنجا بالخصوص مدرسه خان به وجود علما و طلاب رونقی فراوان داشت. معزی الیه سکونت در آن مدرسه را اختیار و نزد حاج میرزا حسین وامق و آقا سیدیحیی به اتمام میبادی فقه و اصول پرداخت و پس از پایان پارهای از تحصیلات در سن بین صبا و شباب باشوقی تمام به عتبات رهسپار گردید. چندی در آن دیار به درس آقا شیخ علی یزدی بفرونی که از مدرسان معروف بود حضور یافت سپس هنگام ریاست آیت‌الله حاج میرزا محمدحسن شیرازی به سَرّ من رأی بهشتافت و از دانشمندان آن دانش‌زار مانند آقا میر سیدمحمد فشارکی و آقا میرزا محمدتقی شیرازی و حاج شیخ فضل‌الله نوری و آقا میرزا ابراهیم محلاتی شیرازی نیک‌بخت گردید و چون حوزه درس سید فشارکی به نجف منتقل گردید ایشان نیز عزیمت بدان ارض اقدس نمود و در خدمت سید مذکور به خاتمه تحصیلات فرمود و در کربلا در سیدنا الانصاف در کلمات معظم له اشاره بدین بزرگوار است چنانچه شیخنا الاستاد مراد آیت‌الله خراسانی است چه چند زمانی هم در نجف اشرف به محضر درس آخوند نیز حاضر شد و برای دیگر شاگردان تقریر می‌فرمود. در این هنگام به خواهش بعضی از اشراف سلطان آباد عراق مهاجرت به ایران نمود و چندی در بلده مذکوره حل اقامت افکند و دوباره در سال ۱۳۲۴ ابتدای انقلاب مشروطیت به عراق عرب پود فرمود و در کربلا در مدرسه خود سرمایه علمی از خدمتش استفاده می‌نمودند. در این بین عراقیان را تلخی فراق در مذاق دشوار آمده برای مراجعت ایشان به‌الحاج کوشیدند لذا تقاضای آنان را پذیرفته به سلطان آباد معاودت فرمود و مجمع علمی خوبی آنجا به ریاست معزی الیه تشکیل یافت و چون سال ۱۳۴۰ در رسید به مصاحبت آقا سیدمحمدتقی خوانساری برای زیارت حضرت معصومه(ع) به قم آمدند و با ایشان بودند. پسر بزرگ آیت‌الله آقا مرتضی ،حاج میرزا مهدی و بروجردی و مرحوم آقا شیخ احمد یزدی و از کارگزاران تنها کربلایی علی شاه به انجام خدمات اشتغال داشت. چون خبر ورود آیت‌الله به اهالی رسید بازارها را تعطیل و به استقبال کوشیدند. نخسین بار آقا شیخ مهدی قمی که سابقه مصاحبت آیت‌الله را در سَرّ من رأی داشتند به میزبانی پرداختند و چون ایام به نوروز سلطانی مصادف بود تجار تهران چنانکه هر مرسوم ساله آنهاست برای وقت خود میمتمی دانسته به خدمتش شتافتند و ماندن حضرتش را در قم درخواست نمودند. پس از مذاکراتی چند خواهش آنان را پذیرفته قصد رحیل به اقامت تبدیل و حوزه علمیه عراق به قم منتقل گردید. این داستان در اطراف منتشر و به گوش هر گوشه نشینی رسید. دانشمندان و دانش‌خواهان از هر مرز و بوم بدان ناحیه شتافتند و به تدریس و تدرّس پرداختند و هم چندی نگذشت شعبه‌هایی به نام این حوزه در شهرهای دیگر چون عراق، قزوین، همدان، گلپایگان مفتوح و به محصلان کمک خرج داده شد.»

کیفیت تدریس آیت‌الله مؤسس

شرح مجاهدات علمی و عملی آیت‌الله‌العظمی حائری پس از هجرت به قم، در منابع گوناگون و نیز پارهای خاطرات شاگردان و فرزندان او آمده است. مرحوم ریحان یزدی در کتاب «آینه دانشوران» درباره تدریس آن بزرگ می‌نویسد:

«بزرگ‌ترین حوزه تدریسی که در حوزه قم صورت‌پذیر است همان جلسات درس فقه و اصول است و مهم‌ترین آنها جلسه درس حضرت آیت‌الله [حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی] است. در این جلسه دیگر اساتید شرکت دارند و به استفاضه می‌پردازند. جای تدریس معزی الیه در مدرسه فیضیه و اوقات زمستان مسجد عشقلی است. کیفیت آن این است که نخست یکی از محدثین محترم (که امروز مخصوص بدین دو نفر یکی حاج آقا جواد قمی و دیگر آقا شیخ ابراهیم صاحب‌الزمان است) بر پای می‌ایستند و دست‌های از فضائل، مناقب، خطب نهج‌البلاغه و مراثی آل محمد (ص) را بیان می‌کنند، سپس حضرت آیت‌الله بر منبر بر می‌ایند و مسئله‌ای را که روز پیشین سابقه داده بودند مورد بحث و گفت‌وگوی می‌گذارند و باید دانست که شاگردان در تقاضای توضیح و بیان مطلب به نظر خودشان (ولو حسن درس هم باشد)



آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری در میان تنی چند از اطرافیان

خارج

کمت و گو ۸۸۴۹۸۴۳۷

د

صاحب کتاب آینه دانشوران: «آیت‌الله حائری پس از مذاکراتی چند خواهشِ مردم را پذیرفته قصدر رحیل به اقامت تبدیل و حوزه علمیه اراک به قم منتقل گردید. این داستان در اطراف منتشر و به گوش هر گوشه نشینی رسید. دانشمندان و دانش‌خواهان از هر مرز و بوم بدان ناحیه شتافتند و به تدریس و تدرّس پرداختند و هم چندی نگذشت شعبه‌هایی به نام این حوزه در شهرهای دیگر چون عراق، قزوین، همدان، گلپایگان مفتوح و به محصلان کمک خرج داده شد…»

اشاره‌ها و نکته‌هایی در باب حالات و مقامات مؤسس حوزه علمیه قم

نماد آگاهی و پایمردی

زندگی و زمانه یکی از شاگردان میرز

آیت‌الله مؤسس یکی از شاگردان بارز آیت‌الله‌العظمی حائری مرحوم، آیت‌الله شیخ محمدباقر زند کرمانی هستند که از مقلدین تصدیق اجتهاد دارند و گذشته از آن آیت‌الله حائری یزدی احتیاطات خود را به ایشان ارجاع داده‌اند که متن آنها از این قرار است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم

خدمت‌ی شرافت جناب مستطاب آجلِ عالی آقای مظفر الملک حکمران دام مجده به عرض می‌رساند چون جناب مستطاب شرر یعتمدار ثقف‌الاسلام آقای شیخ محمدباقر کرمانی دارای مقام اجتهاد می‌باشند، نقلاً عن البین فی الصلح المقصود منه القرار عن الدین» در موضوع صلح به قصد فرار از دین است. مرحوم آیت‌الله شیخ محمدباقر زند کرمانی به تاریخ ۱۵ محرم الحرام ۱۳۵۰ هـ قی ۲۴ ذیقعد‌الحرام ۱۳۵۰

الأخقر عبدالکریم الحائری

بسم‌الله تعالی

محضر انور حضرت مستطاب شرر یعتمدار حضرت حجت‌الاسلام آیت‌الله الحاج شیخ عبدالکریم مدظله چون بعضی از احتیاطات آن وجود مبارک از برای گردآوری و برخی به چاپ رسیده خود سرمایه علمی مهمی است از جمله کتاب «النکاح» که تقریرات آقا میرزا محمود آشتیانی است از درس حاج شیخ که در مشهد مقدس به چاپ رسیده است و اینجناب در تألیف کتاب احکام فرمود و به رقه فقه شیعیه از برخی مطالب آن استفاده کرده‌ام.

برخی شاگردان حاج شیخ عبارت‌اند از:

۱- آیت‌الله‌العظمی امام سیدروح‌الله موسوی خمینی

۲- آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدرضا گلپایگانی

۳- آیت‌الله‌العظمی شیخ محمدعلی اراکی

و دیگر بزرگانی که ذکر و یاد آنان مجال واسعی می‌طلبد.

آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر زند کرمانی

از علمای مصلح و دارای اندیشه اجتماعی زمان خود بود که با فکری روشن – که ناشی از تحصیلات و تجارب گر انقدروی بود – برای زمان خود و دیگر اعصار چراغی برافروخت و خدمات بسزایی انجام داد. اهتمام به تأسیس بیمارستان عسکریه، اقدام به بازگشایی مسجد جامع اصفهان و تعمیر و تجدید مدرسه علمیه ذوالفقار

این روحانی روشن و خدوم بوده است



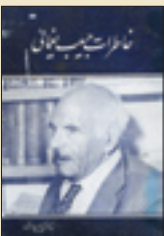
آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر زند کرمانی پس از اقامه نماز عید فطر در اصفهان

پیش‌خواب

نکته‌ها و توضیحاتی درباره خاطرات زنده‌یاد حبیب یغمایی

فرز و فرودهای یک تجربه مطبوعاتی

شاهد توحیدی



آنچه تحت عنوان خاطرات حبیب یغمایی و به کوشش ایرج افشار نشر یافته، به واقع نکاتی است که یغمایی به عنوان فرزا و فرودهای تجربه مطبوعاتی خویش در مجله «آینه» به قلم آورده است و همانگونه که مقدمه افشار بر این اثر نشان می‌دهد، می‌توانسته کامل‌تر از آن باشد:

«بازی نیست که سرگذشت حبیب یغمایی گفته شود. نام، یاد و شعرش در تذکرها و منشآت در ۳۱ دوره مجله‌نام‌آور یغما هست. سال‌شمار زندگی و فهرست آثارش را در کتاب‌های یادگارنامه حبیب یغمایی (۱۳۶۵) و یغمای سسی‌دوم (۱۳۷۰) می‌توان دید. آنچه در این دفتر می‌خوانید خاطراتی است که آن فقید سعید به درخواست من می‌نوشت و به تدریج در مجله آینده به چاپ می‌رسید و خوشبختانه خوانندگان بسیار یافت. افسوس که چنگ مرگ فرود آمد و یغمایی را از میان ما ربود و نتوانست بیش از این بنویسد. یغمایی زمانی هم خاطرات ادبی و یادمان‌هایی که از ادبا و شعرای دوران جوانی خود داشت در یادو بیان می‌کرد و متن چند تا از آنها را به مجله یغما به چاپ رسانیده است. دریغ است فرزندان گرامی او همتی به چاپ آن مجموعه نمی‌کنند. چون خواستارانی چند به من یادآور شدند که باید مجموعه خاطرات یغمایی مندرج در مجله آینه جداگانه چاپ شود تا علاقه‌مندان نثر پخته او بتوانند به آسانی آن نوشته‌ها را در اختیار داشته باشند



حبیب یغمایی در مراسم بزرگداشت بیستمین سال تأسیس مجله یغما

ماه منتشر نشود امید ندارم که مجله دوام یابد. آورنده وجه که از اعضای سفارت بود نظری افکند، که معلم ما و از بزرگان ادب بود. رقه هیچ وقت مجله‌نویس نخواهی شد.»

حبیب یغمایی در بخشی دیگر از خاطرنگاشت خود درباره تحصیلات و مسراوات علمی و فرهنگی خویش سا برخی از معارف ادب و

سیاست ایران نیز بدین شرح نگاشته است: «در دامغان در سنین جوانی در مدرسه‌ای بودم که مرحوم عبدالله یاسبایی صدرالادبا مدیر دقتی از او بنویسم و به مجله آینده تقدیم کنم که یزدی بود و افشار هم یزدی است و سزاوار است حق همشهری‌گری را ادا کند. در تهران هم استادانی چون مرحوم میرزا عبدالعظیم‌خان قریب، مرحوم اقبال

می‌کردند. از اینها گذشته ۱۴ سال در خدمت مرحوم محمدعلی فروغی ذکاءالملک در مطالعه و تصحیح آثار بزرگان ادب ایران چون فردوسی، سسندی، نظامی و تنظیم متون افلاطون و ارسطو و کتاب شفای ابوعلی سینا همکاری داشتم که آن خود مدرسه‌ای عالی و مکمل تحقیقاّتم در ادب بود. از این مراتب بگذریم. شخصاً در انتشار ادب اصیل فارسی عشق و علاقه تمام داشتم که به قول بعضی از نویسندگان معاصر این عشق و علاقه به حد جنون رسیده بود. هر کس عاشق شده است می‌داند در راه عشق و محبت شخص به چه

بلاه‌ها، مصیبت‌ها و ناگواری‌ها دچار می‌شود

و همه را تحمل می‌کند. به قول عطار عشق از

این بسیار کرده است و می‌کند…»

و از نحوه تفکر و روش او در مجله‌نویسی آگاه شوند این مجموعه فراهم آمد و خوشبختانه انتشارات طلابه پذیرفت آن را به چاپ رساند. پس مراتب امتنان خود را به پایه‌گذاران این مؤسسه که چنین کتاب فرهنگی را به چاپ رساندند ابراز می‌دارم و برای روان یغمایی آموزش و شادی خواستارم.»

حبیب یغمایی در بدو خاطرات خویش درباره علّی که موجب شده بود او خاطرات انتشار مجله یغما را بنگارد، چنین نگاشته است: «در مجله آینه اشاره شده است که من بنده سیدحبیب یغمایی گزارشی در باره انتشارات مجله یغما بنویسم و از جزئیات این امر نکته‌ای نگاشته نگذارم. امر بزرگواران را اطاعت می‌کنم، اما باید تصدیق کرد که بیان جزئیات خدمتی پس از ۳۲ سال بسیار دشوار است مخصوصاً که به علت پیری این یادداشت‌ها آشفته، درهم و مشوش هستند و هر نکته به جای خود یاد نشده است.»

انتخاب نام نشر یغما، تعداد صفحات و سایر مقررات اینن مجله در زمره نکاتی است که حبیب یغمایی در خاطره نگاری خویش آن را مورد توجه قرار داده است: «بنده در سال ۱۳۲۷ شمسی درصدد برآمدم مجله‌ای ادبی تأسیس کنم و نام رفیق را بر آن نهادم، اما مرحوم دکتر سیددولی‌الله‌خان نصر معاون بسیار با دانش وزارت فرهنگ کمک یغما را انتخاب فرمود. او کلمه رفیق را در آن دوره که حزب توده نفوذی داشت نامناسب می‌شمرد. بسیاری از دوستان مرا از سیردن این راه دشوار مانعان می‌فرمودند. از آن جمله مرحوم استاد عباس اقبال آشتیانی و مرحوم استاد مجتبی مینوی سخت مخالف بودند. شاید نامه‌ای مرحوم مینوی را که در این باره از لندن فرستاده باشد داشته باشم. مرحوم دکتر مهدی بیانی رئیس کتابخانه